

آ

آدم ربایی – Abduction (of person)

گرفتن و ربودن یک فرد بطور غافلگیرانه، اسارت مخفیانه و بطور اجباری که برخلاف میل فرد می‌باشد.
مثلاً: پولیسی که شخص مخالف یا رهبر یک اتحادیه را بخاطر خاموش ساختن سر و صدا می‌رباید.
ویا آدم ربایی عبارت از ربودن شخصی برای فروش، اجرا مقاصد دیگر اعم از سیاسی، منافی، اخلاقی و غیره می‌باشد.
هرگاه آدم ربایی توسط مامورین حکومت انجام یابد، معمولاً این آدم ربایی یک تخطی حقوق بشری می‌باشد و ممکن است شامل چندین تخطی‌های دیگر حقوق بشر گردد. مثل محروم ساختن از آزادی گشت و گذار، آزادی و امنیت شخص، آزادی از شکنجه یا ظلم، ستمگری، یا رفتار خفت آور؛ یا حتی حق حیات. اغلباً آدم ربایی به "ناپدید شدن اجباری" اطلاق می‌شود وقتی که مقامات یک رژیم قربانی را در کوته قلفی یا در حالتی بدون وسایل ارتباط قرار می‌دهند و اسارت شخص را تکذیب می‌کند.

آسیب غیر ضروری – Unnecessary Suffering

طبق این اصل بشر دوستانه، جنگجویان در جریان جنگ از وارد کردن آسیب‌های غیرضروری به دشمنان شان، آسیب‌هایی که فراتر از حد ضرورت برای حاصل کردن اهداف نظامی است، باید پرهیز کنند. طبق قانون بین‌المللی جنگ، استفاده از اسلحه یا روش جنگی که به دشمن آسیب غیرضروری وارد کند، ممنوع و غیر قانونی است. در قانون بشردوستانه، این اصل، اصل انسانیت به حساب می‌آید و این اصطلاح از لحاظ معنا و اصطلاح زخم‌های غیرضروری (*Superfluous*) ارتباط نزدیک دارد.

آزادی‌های مدنی – Civil liberties

ضمانت‌های حقوقی از طرف حکومت‌های جامعه‌های دموکراتیک، برای کاهش ندادن آزادی‌های فردی. برگذاری انجمن‌های صلح‌آمیز و حق برخوردار بودن از محاکمه جنایی نمونه‌های از آزادی‌های مدنی در جامعه دموکراتیک به حساب می‌آیند. یا تضمین حمایت از حقوق افراد در مقابل مداخله خود سرانه مقامات حکومتی می‌باشد. آزادی‌های مدنی به ضمانت‌هایی حقوقی ای گفته

بخش اول اصطلاحات حقوق بشر

بخش اول □ ۳

می‌شود که در جوامع دموکراتیک برای حفظ حقوق شهروندان به رسمیت شناخته شده است.

آزادی‌های چهارگانه (در سخنرانی روزیویلت) Four Freedoms (Roosevelt speech)

آزادی‌های چهارگانه به سخنرانی تاریخی آقای "فرانکلین دیلانو روزیویلت" در جون سال ۱۹۴۱ اشاره دارد. آقای روزیویلت در سخنرانی تاریخی‌اش اعلان کرد که صلح جهانی به چهار آزادی عمده بستگی دارد. این آزادی‌ها شامل آزادی بیان، آزادی عبادت، آزادی از ضرر (از طریق امنیت اقتصادی) و آزادی از ترس (از طریق کاهش دادن اسلحه) می‌باشد. این سخنرانی بعداً برای کوشش‌ها در راستای تاسیس سازمان ملل متحد، نقش سند کلیدی و سنگ تهادی را بازی کرد و زمینه را برای ارتقای حقوق بشر نیز فراهم کرد. آقای روزیویلت سخنرانی‌اش را پیش از وارد شدن ایالات متحده در جنگ جهانی دوم ایراد کرد و جنگ جهانی دوم سخنان آقای روزی را تایید کرد.

آزادی – Freedom

توانایی و ظرفیت انجام دادن یک عمل بدون کدام فشار بیرونی؛ نبودن محدودیت‌ها؛ توانایی شخصی در انتخاب عمل مخصوصاً در برابر دولت. از لحاظ معنا، آزادی معادل "Freedom" وسیع‌تر از دایره معنای "Liberty" است. معمولاً این کلمه بیشتر در اصطلاح "آزادی‌های بنیادی" دیده می‌شود که مراد از این آزادی، آزادی است که برای برقراری و حفاظت مقام انسانی در یک جامعه سازمان یافته، کاملاً ضروری پنداشته می‌شود.

آزادی – Freedom Liberty

۱. اختیار فعل یا ترک فعل.
۲. داشتن حق انجام هر عملی تا حدی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد.
۳. مصئون ماندن از اراده مستبدانه دیگران، آزادی از بند و زندان، آزادی از بردگی غیر، نبودن دخالت و ممنوعیت.
۴. استقلال و رهایی فرد یا گروه از ممانعت‌های که به وسیله دیگر افراد، گروه‌ها و یا حکومت برقرار شده باشد.
۵. وضع و موقعیتی که اجبار جامعه و افراد را بر شخص به حداقل ممکن کاهش دهد.

□ ۴ اصطلاحات حقوق بشر

۶. به طور اعم، به مجموع آزادی‌های مانند آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های مذهبی و آزادی‌های بیان اطلاق می‌شود. به محض آنکه صحبت از آزادی به میان می‌آید، باید پرسید: آزادی برای چه، آزادی برای چه و تا چه حدود. خود سری هر فرد برای ارضای تمایلات فردی خود، منتهی به هرج و مرج و هرج و مرج منتهی به وضعی می‌شود که در آن هر گونه آزادی از بین می‌رود. در یک جامعه آشفته، تنها دغلبازان می‌توانند خود را تحمیل کنند. در آشفتگی نه عدالت وجود دارد و نه آزادی. گفته‌اند: در جامعه‌ای که حکومت استبدادی جای آزادی را می‌گیرد، آن جامعه دیگر پیشرفت نمی‌کند، نه ثروتش افزایش می‌یابد و نه قدرتش، و در پیشبرد موارد، جامعه در سرایش زوال می‌افتد، یعنی بر اساس اقداماتی که از طرف دولت سنجیده می‌شود که اختیار فرد را برای انتخاب نحوه دلخواه عمل (مثل آزادی اعتقاد و مذهب، آزادی بیان، عضویت در سازمان‌ها، آزادی سفر، عدم ترس از بازداشت غیر قانونی...) انکار می‌کند.

آزادی‌های بنیادی – Fundamental Freedom

آزادی بنیادی که برای حفاظت و نگهداری وقار و عظمت فطری یک شخص کاملاً ضروری به حساب می‌آید. این اصطلاح تقریباً با "کلمه حقوق بشر" هم معنا است و اصطلاح "حقوق بشر و آزادی‌های اولیه" در اکثر اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها دیده می‌شود. این آزادی‌ها در حفظ بزرگی فطری انسان‌ها نقش اساسی را بازی می‌کند.

آزادی‌خواهی – Liberalism

یک ایدئولوژی قرن بیستم که خواهان نهادهای سیاسی آزاد، آزادی‌های فردی مثل بیان آزاد و تحمل مذهبی می‌باشد و حمایت از این مفکوره که حکومت باید یک نقش قوی در تنظیم رژیم سرمایه داری (کاپیتالیسم) بخاطر مفاد عامه و ساختن یک حالت رفاهی که در آن ضروریات فقرا را به بهترین وجه پاسخگو باشد، می‌باشد. و یا عبارت از حفظ آزادی‌های فردی همراه با مسوولیت‌های اجتماعی می‌باشد.

آزادی عمومی – General Freedoms

آزادی عمومی به معنی حق و اختیار و به طور کلی مستقل و مختار بودن شخص در انتخاب اعمال و رفتار خود می‌باشد. مانند آزادی رفت و آمد، آزادی بیان، قلم، اجتماع و کار. آزادی‌های عمومی به مجموع آزادی‌های سنتی و حقوق اقتصادی و اجتماعی اطلاق می‌شود که از طرف جامعه برای افراد به منظور اعتلاء

بخش اول □ ۵

مقام و شخصیت او در زمینه های مختلف زندگی اجتماعی شناخته شده است و جامعه آن را مورد حمایت ویژه قرار می دهد. از لحاظ اهمیتی که آزادی های عمومی دارا می باشند، معمولاً هر کشور آن را در قانون اساسی و یا در اعلامیه-ای جداگانه به عنوان حقوق عمومی و یا آزادی های عمومی ملت اعلام می دارد. آزادی های عمومی را می توان از جهات مختلف تقسیم و طبقه بندی کرد که معمول ترین آن ها بدین ترتیب است:

۱. آزادی های فرد: که به اعتبار فرد انسان برای او به موجب قانون شناخته شده است و عبارتند از حق زندگی، امنیت شخصی، آزادی رفت و آمد، آزادی و مصونیت مسکن، مصونیت مکاتبات، مکالمات و مخابرات و اسرار شخصی، حق دفاع و اجرای عدالت؛

۲. آزادی فکر: که به اعتبار فکر آدمی است. مانند آزادی عقیده و بیان، آزادی وجدان و ایمان، آزادی قلم و مطبوعات، آزادی اجتماعات، آزادی تعلیم و تربیه و آزادی سیاسی؛

۳. آزادی های اقتصادی و اجتماعی: که به اعتبار بستگی های اجتماعی و مادی داده شده است. مثل حق انتخاب کار و شغل، حق تأمین اجتماعی، حق مالکیت شخصی، آزادی کسب و کار و وضعیت و تجارت.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر تفکیکی بین انواع حقوق و آزادی های بشر نشده است ولی در دو میثاق بین المللی بنام های میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که به منظور اجرای مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است، آن ها تفکیک شده اند.

تفاوت بین دو نوع از حقوق بشر آن است که تمتع از حقوق مدنی و سیاسی اصولاً نیازی به دخالت دولت ندارد. مگر از لحاظ حالت منفی و بی طرفی، در صورتی که تمتع از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیازمند حمایت موثر و مداوم دولت می باشد.

آزادی عقیده و بیان

The Freedom of opinion and expression

عقیده اساس و جوهر فکر، و آن عبارت از انتخاب آزادانه هر فکر است که شخص آن را عین واقعیت می داند؛ و این فکر در هر حوزه که باشد، آزادی مزبور نیز به همان نام نامیده می شود. چنانچه فکر در مورد اخلاق و یا مذهب باشد، آن را آزادی وجدان و یا مذهب می نامند، و چنانچه راجع به سیاست باشد، آن را

□ ۶ اصطلاحات حقوق بشر

آزادی سیاسی و در صورتی که راجع به علم و هنر باشد، آزادی علم و هنر می گویند.

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و کسب اطلاعات و افکار او در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکنه و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد. این مطلب در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر درج شده است. در ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین تذکر به عمل آمده است:

۱. هیچ کس را نمیتوان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت قرارداد.
۲. هر کس حق آزادی بیان دارد این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه، اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود شخص می باشد.

۳. اعمال حقوقی مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسوولیت های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت های معینی گردد که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف: احترام حقوق یا حیثیت دیگران.

ب: حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا اخلاق عمومی.

نکاتی مشابهی در ماده ۴ اعلامیه امریکائی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپائی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون امریکائی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۹ منشور افریقائی حقوق بشر و ملل نیز آمده است.

آزادی بیان یکی از بنیاد های اساسی جامعه دموکراتیک است و نیز از شروط اساسی پیشرفت و توسعه آن جامعه شناخته می شود.

آزادی رفت و آمد - Freedom of

این آزادی ها ناشی از آزادی های شخصی است و مفهوم آن این است که هر شخص هر وقت بخواهد در داخل کشور رفت و آمد کند و در محلی که مایل باشد سکونت نماید و هر موقع بخواهد آن کشور را ترک کند و یا به کشور خود باز گردد. با تحولاتی که امروزه در زمینه ارتباطات و حمل نقل روی داده، تأمین آزادی در وقت رفت آمد و اختیار مسکن به صورت یکی از نیاز های مهم زندگی در آمده است و هیچ کشوری نمی تواند مرز های خود را به روی خارج ببندد و از رفت و آمد اتباع خود جلوگیری نماید.

چنانچه نظم عمومی، صحت عمومی و وقایع غیر مترقبه اقتضا کند می تواند آن را محدود نماید به شرط آنکه حدود منطقه ممنوعه و مدت رفت و آمد را به

الف

احترام (به حقوق بشر) – Respect (for human rights)

به رسمیت شناختن حقوق بشر در سطح انفرادی و گروهی و هماهنگ کردن رفتار با معیار های حقوق بشر. معمولاً احترام به حقوق بشر جز تعهد یک کشور به معاهده حقوق بشر به حساب می آید.

در قانون بین المللی بشردوستانه این اصطلاح در ماه های اول کنوانسیون های چهارگانه ژنوا به طور واضح بیان و تعریف شده است. این اصطلاح به این معنا است که کشورهایی که معاهده حقوق بشر را تصویب کرده اند نباید تعهد شان را نقض کنند و کشور های تصویب کننده باید به طور مثبت و فعال از اصول حقوق بشر پیروی کنند و کشور های دیگر حتی کشور های غیر تصویب کننده را نیز وادار کننده تا اعمال و رفتار شان را با اصول حقوق بشر مطابق و هماهنگ سازند. تضمین احترام به حقوق بشر به معنای وادار کردن کشور های دیگر به اطاعت از اصول حقوق بشر است.

ارائه شکایت – Standing

حق فرد، افراد یا گروه برای ارایه کردن شکایت راجع به نقض حقوق بشر، برای وارد کردن اعتراض به قابل ملاحظه بودن شکایت، برای درخواست کردن تصمیم یا درخواست کردن نظر مشورتی، برای اقدام کردن به طور شریک دعوا و حاضر شدن در محکمه ای که صلاحیت حل و فصل قضیه های مربوط به نقض حقوق بشر را دارد.

به طور عموم منظور از این اصطلاح این است که فرد یا گروه حق دارد راجع به مساله خاص حقوق بشر در داخل نظام حقوق بشر اقامه دعوا کند. قانون مدون یا قواعد محکمه به طور معمول اقسام شرکاء را که از این حق برخوردارند، مشخص می کند.

آگاهی عمومی برساند و مقامات قضائی مکلف هستند که در این زمینه به شکایات رسیدگی نمایند.

ماده ۱۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر، ماده ۹ و بند ۱ و ۲ ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده هشتم اعلامیه آمریکائی حقوق بشر، بند های ۱، ۲، ۳ و ۴ ماده ۱۲ و ماده ۱۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند های ۱ و ۲ ماده ۱۸ و بند های ۱ و ۲ ماده ۱۹ منشور اجتماعی اروپائی، بند ۱ تا ۹ ماده ۲۲ کنوانسیون آمریکائی حقوق بشر و بند ۱ تا ۵ ماده ۱۲ منشور افریقائی حقوق بشر و ملل ناظر بر این امور است. آنچه در مجموع توسط این اسناد مورد توجه قرار گرفته به شرح ذیل است:

۱. آزادی برای حرکت در داخل محدوده کشور.
۲. آزادی انتخاب محل اقامت در قلمرو کشور.
۳. آزادی خروج از کشور.
۴. آزادی ورود به کشور.
۵. عدم اخراج از کشور.
۶. عدم تبعید.

آشوب – Riot

در اصطلاح، بروز فتنه و نا آرامی در نظام سیاسی است و یا عبارت از گردهمایی تعداد کثیری از افراد با استفاده از قوه، و تخریب و از بین بردن جدی تاسیسات عامه، بی نظمی عامه که معمولاً به ملکیتها ضرر جدی می رسانند. و یا مختل کردن نظم، به وسیله عده ای به منظور اجرای عملی از طریق غیر قانونی. آشوب به جان هم افتادن گروه ها و دسته ها و به یغما بردن مال و اموال مردم می باشد.

اعدام غیر قانونی – Summary Execution

کشتن عمدی و غیر قانونی کسی به دستور یا با همدستی دولت، توسط مقامات حکومتی یا اشخاص دیگر، بدون محاکمه قضائی و قبلی وی از جانب محکمه با صلاحیت.

اصول (شهر) ترکو ابو – Turku Abo Principles

این اصول، در سال ۱۹۹۰ طی کنفرانسی در فنلاند تحت عنوان حقوق بشر قابل اجرا در جنگ های غیر بین المللی، به شکل سند ارائه گردید. این اصول که معیار های بشردوستانه حد اقل و قابل اجرا در جنگ های غیر بین المللی را بیان می کند مجموعه از حقوق بشر کلاسیک دوران صلح و حقوق-بشر در قانون بشردوستانه است که موارد برخورد های مسلحانه غیر بین المللی را شامل می شود.

اکراه – Duress

در عموم به این معناست که فکر انسان تحت یک اجبار خارجی قرار می گیرد و شخص دیگری توسط تهدید به اعمال زور و یا دیگر عواقب وخیم یا دیگر اطرافیان مثل همسر، اطفال یا خویشاوندان، شخص را مجبور می سازد تا کاری را کند که در حالت عادی شخص حاضر به انجام آن نباشد، مثل یک جرم تخطی حقوق بشری.

ادعای مکرر واقع شدن بعضی اوقات در دفاع از محکوم شدن به نسبت جرایم جنگی استفاده می گردد.

زمانیکه متهم ادعا می کند که او دست به آن کار بخاطری زد زیرا که خودش در صورت انجام ندان آن حکم مورد تهدید قرار می گرفت. اکراه هم چنان به معنی اجبار بیان شده است. مثلاً: تهدید یک سرباز در حال وظیفه نظامی به مرگ در صورتیکه او دستور غیر قانونی فرمانده را مبنی بر کشتن افراد ملکی قبول نکند. اگر چه این به معنای اوامر مافوق نمی باشد که این خود یک دفاع است مبنی بر اینکه اوامر افسر مافوق نظامی را باید انجام داد.

مکرر واقع شدن به ندرت یک دفاع کامل در مسوولیت های جزایی می باشد هر چند که ممکن است یک فکتور تخفیف مجازات واقع گردد. در مجموع اعمال تهدید آمیز که منجر به اکراه می گردد باید قریب الوقوع، واقعی و اجتناب ناپذیر بوده باشد و اعمال وارد به سبب اجبار نباید زیان بیشتری را نسبت به عواقبی که به سبب

پذیرفتن اجبار حاصل میابد در قابل داشته باشد و نیز اینکه نباید منتج به مرگ شده باشد.

اطمینان حاصل نمودن از (احترام به حقوق بشر) Ensure (Respect for Human Rights)

واژه که در بعضی از پیمان های حقوق بشر دیده می شود که چگونگی تعهد کشور های طرف را در رابطه به درک و احترام نورم های حقوق بشر در پیمان شرح می دهد. این به معنی اخذ اطمینان، یقین یا محفوظ بودن و تضمین دادن از طریق یک وثیقه یا اعلامیه می باشد. این واژه اکثراً بعد از مقدمه یک پیمان دیده می شود. در زمینه کنوانسیون و پروتوکول ۱۹۴۹ ژینو، عبارت است از "اطمینان یافتن از حرمت به" در ماده اول آن سند وجود دارد که به این معنی است که هر کشور طرف به آن نگاه کند که دیگر کشور های طرف و در حقیقت امر تمامی دیگر طرفین، افراد و گروه ها به این نورم های بشری احترام می گذارند.

انتخابات آزاد و عادلانه – Free and Fair Election

این اصطلاح در جامعه جهانی و توسط جامعه جهانی برای توصیف انتخاباتی استعمال می شود که در یک کشور طوری و در شرایطی صورت می گیرد که افراد واجد شرایط برای رای دهی، بدون کدام مانع و فشار بتواند در رای دهی سهم گرفته و به کاندید مورد نظر شان رای دهند و شرایط و اوضاع اساسی انتخابات طوری باشد که نتیجه انتخابات، بازتاب دهنده عدالت و شفافیت انتخابات از همه جهات و بازتاب دهنده رای واقعی رای دهندگان باشد. بعد از مراقبت و نظارت از انتخابات توسط ناظران جهانی، بیانیه ای را راجع به عادلانه و آزاد بودن انتخابات صادر می کنند. اگر انتخابات از نظر ناظران بین المللی آزاد و عادلانه باشد در این صورت اعتبار این انتخابات و مشروعیت حکومت منتخب در سطح جهانی از جانب ناظران اعلان می شود.

اصالت فرد – Individualism

عبارت از نظریه ای که بسیاری از حکومت های دموکراتیک بر اساس آن استوار است. طبق این نظریه هدف اصلی حکومت فراهم کردن شرایطی است که آسایش افراد را ارتقاء داده و به هر فرد جامعه اجازه دهد تا از استعداد های شان در جامعه به بهترین وجه استفاده کنند.

اقلیت (گروهی از مردم) – Minority (Group of People)

اصطلاحی که برای تعریف یک گروه انسان‌ها استفاده می‌شود که میان اشخاص دیگر بخاطر نژاد، زبان، دین، قوم یا ملیت شان در یک جامعه بزرگ طبقه بندی شده و بالای چیزی مهمی مسلط نمی‌باشند. یک تعریف رسمی یا عادی از "اقلیت" در قانون بین‌المللی حقوق بشر تا هنوز وجود ندارد. گرچه جامعه بین‌الملل، بطور عمده تحت حمایت ملل متحد، برای حمایت از اقلیت‌ها معیارهای حقوق بشر تعیین می‌کند. تعریف "اقلیت" در اصطلاح عام که امروزه استفاده می‌شود، تعریف کاپتوریته می‌باشد: یک گروه اقلیت از حیث تعداد مادون به بقیه نفوس یک کشور می‌باشند، که در یک موقف غیر مسلط قرار دارند، اعضای آن ملیت همان کشور می‌باشد، دارای مشخصات نژادی، مذهبی یا زبانی هستند که از دیگر نفوس تفاوت دارد و بطور ضمنی دارای یک حس همبستگی برای حفظ فرهنگ، سنت‌ها، مذهب و زبان خویش می‌باشند. عین اصطلاح اقلیت ملی، نیز در اینجا کدام تعریف واحد رسمی ندارد. دو تعریفی که وجود دارد و در حال حاضر استفاده می‌شود، یکی آن در سیستم ملل متحد و دیگر آن در انجمن اروپا.

تعریف اول راجع می‌شود به اعضای یک گروه در یک کشور که شهروندان آن کشور می‌باشند که متضاد آن غیر شهروند واقع می‌گردد. در تحت این تعریف، یک کشور تنها مسوول خواهد بود تا به حقوق اقلیت که اعضای آن شهروند آن کشور می‌باشند احترام بگذارد.

ثانیاً، این اصطلاح به این مفهوم استفاده می‌گردد که طبقه بندی صورت بگیرد، مثل "اقلیت مذهبی" و نیز راجع می‌گردد به یک گروه از اشخاص که شهروندان کشوری که در آن زندگی می‌کنند نیستند. مثلاً: یک گروه شهروندان کشور (الف) که در کشور (ب) زندگی می‌کنند، اقلیت ملی در کشور (ب) به حساب خواهند آمد.

اتهام به نفس**Nemo Tenetur Edere Contra Se (Principle against Self-Incrimination)**

این واژه لاتینی به معنی این است که دولت (پولیس، خارتونالی و محکمه) حق دارند کسی را مجبور کند برخلاف خودش شهادت دهد یا چیزی به ضرر خودش بگوید، یا بر ضرر خودش مدارک فراهم کند. این، شبیه به حق سکوت در مقابل اتهامات جنایی است.

اصل عدم تبعیض – Nondiscrimination (Principle)

اصل عدم تبعیض یکی از اصول حقوق بشر است که طبق آن هیچ کسی به خاطر ویژگی‌های نژادی، مذهبی، جنسی اجتماعی، زبانی و موقعیت‌های دیگر اش نباید در بهره برداری از حقوق بشر شان محروم گردند. این اصل به این معنا است که دولت نباید بر اساس ویژگی‌های دکر شده برای بهره‌مند شدن افراد از حقوق بشر شرط و قید تعیین کرده و آن را محدود کند. دولت نمی‌تواند در بهره برداری افراد از حقوق بشر با آن‌ها رفتار تبعیض آمیز را در پیش گیرد زیرا هیچ دلیلی معقول و پذیرفتنی برای این کار وجود ندارد.

بند عدم تبعیض در پیمان‌های حقوق بشر گنجانیده شده است و این بنده به طور واضح اصل عدم تبعیض را بیان می‌کند. برای معلومات بیشتر به ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی مراجعه شود. و برای وضاحت بیشتر مطلب تعریف کلمه متضاد (تبعیض) این لفظ را نگاه کنید.

اذیت – Percution

یعنی آزار و اذیت کردن کسی، وارد کردن آسیب یا غم به کسی، محرومیت جلدی و عمدی کسی از چیزی توسط دولت یا نماینده‌گانش. نقض سیستماتیک حقوق بشر بنیادی.

در زمینه جنایت علیه بشر، قانون مدون محکمه جنایی، آزار و اذیت را چنین تعریف می‌کند "محروم کردن عمدی و سخت‌گیرانه گروه‌های خاص را از حقوق بنیادی آنها به خاطر شناخت گروهی و جمعی آنان و یا محروم کردن عمدی و شدید از حقوق اساسی برخلاف حقوق بین‌الملل به دلیل هویت آن گروه یا جمعیت."

اصل بری‌الذمه (قانون جزایی)**Presumption of Innocence (Principle of Criminal Law)**

عبارت است از اصل حقوق بشر در مسایل جنایی که طبق آن فرد مظنون و متهم به ارتکاب جرم تا وقتی جرمش در محکمه ثابت نشود بی‌گناه محسوب می‌گردد. این اصل در تمام قضیه‌های جنایی پیاده می‌شود حتی جایی که مظنون به جرم نقض واضح و آشکار قانون گرفتار شده باشد. طبق این اصل برای ثابت کردن جرم فرد مظنون، مسوولیت فراهم سازی مدارک و شواهد بر دوش حکومت سنگینی می‌کند یعنی حکومت مکلف است تا با آوردن شواهد و مدارک معتبر،

بخش اول □ ۱۳

جرم فرد مظنون را ثابت کند. این حق در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی نیز دیده می‌شود.

اصل برأت – Principle of a quittance

از آنجاییکه آزادی لازمه وجودی انسان و به عنوان یکی از حقوق فطری، غایت-مطلوب جامعه بشری است، همگان باید به آن به دیده احترام بنگرند و از تعرض نسبت به آن احتراز کنند. اما ماجراجویی‌های متداول در جامعه و تجاوز افراد به حقوق یکدیگر موجب پذیرش و تاسیس اصل مسوولیت جزایی و در نتیجه، اعمال محدود بر آزادی افراد متجاوز شده است.

در جریان کشف جرم، تعقیب و مجازات مجرمان ممکن است جرم افراد تحت تعقیب و مورد اتهام هنوز به اثبات نرسیده باشد و مقامات مسوول با تردید مواجه باشند. در چنین حالتی، حکم بر محکومیت و اعمال مجازات نسبت به فرد که هنوز انتساب جرم او محرز نشده دور از انصاف خواهد بود. بدین دلیل برای تعیین وضعیت افراد متهم، تا زمانی که شک و تردید نسبت به مجرمیت این افراد وجود داشته باشد به یکی از اصول عملیه به (اصل برأت) متوسل می‌شوند.

بنابر این، برأت، عبارت از نبودن مکلفیت در صورتی است که در وجود حکم. به عبارت بهتر (هر امری که توجه آن به شخص، مستلزم نوعی زحمت یا زیان یا سلب آزادی و یا ایجاد مضیقه باشد، در صورتیکه توجه آن به شخص، محل تردید باشد باید آن شخص را از زحمت مبری نمود؛ زیرا، بدون دلیل قاطع، تحمیل زحمت به اشخاص روا نیست.

اصل برأت، امروز به عنوان میراث مشترک حقوقی، در همه ملل متمدنی درک پذیر و در حقوق داخلی کشورها و در نظام بین‌المللی مورد عنایت و توجه قرار گرفته است. بر اساس بند (۱) ماده (۱۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر کس به جرمی متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تامین شده تقصیر او قانوناً محرز گردد.

اصل (قانون) – Principle (of Law)

عبارت از قانون جامع و بنیادی، دکترین یا فرضیه، قاعده عمومی یا ضوابط اخلاقی و عملی می‌باشد که در اصول قانون‌گذاری مراعات می‌شود.

□ ۱۴ اصطلاحات حقوق بشر

اصول عبارت‌اند از بیانیه‌های عمومی گرفته شده از قانون‌های حقوق مخصوص برای فراهم کردن دلیل‌های معین برای آن قوانین. اصول "چرا" قواعد را برای ما توضیح می‌دهد. مثلاً در قانون بین‌المللی جنگ، اصل تشخیص بین نظامیان و غیر-نظامیان، این نکته را تضمین می‌کند که تنها نظامیان هدف حمله قرار گیرند و غیر-نظامیان از آسیب محفوظ بمانند.

اصل تفسیر و تطبیق قانون

Pro Homine (Principle of Application and Interpretation)

این اصل در قانون بین‌المللی حقوق بشر دیده می‌شود. طبق این اصل، تمام حقوق-بشر باید به گونه‌ای تفسیر و تطبیق شود که به طور کامل و کافی انسان‌ها را حفاظت کند. جایی که در قضیه خاص دو اصل قانونی وجود داشته باشد، آن اصلی که به افراد آزادی و حفاظت بیشتر فراهم می‌کند بر اصلی که کمتر فراهم می‌کند، باید مقدم شود. هر تفسیر و تطبیق اصولی که بیشتر به نفع افراد باشد و از عظمت فطری انسان بیشتر حمایت کند، باید ترویج و شایع شود. مثلاً فرض کنید قانون برای محکوم به خاطر جرمش مجازات را معین می‌کند و بعد از مدتی، قانون، مجازات همان جرم کاهش می‌دهد. در این صورت در حق محکوم باید قانون دوم تطبیق شود تا محکوم از تبدیلی قانون بهره‌مند شود و مجازاتش کاهش یابد.

امن عامه (محدودیت) – Public Safety (Limitation)

محافظت دولت از رفاه و بهزیستی مردم. تدابیری که برای حفاظت ساکنین یک کشور گرفته می‌شود.

محافظت از امنیت ملی، یکی از اهداف مشروع محدود سازی حقوق بشر به شما می‌آید و این قید در بسیاری از معاهده‌های حقوق بشر موجود می‌باشد. امنیت ملی با آنکه یکی از عناصر تدابیری را که برای حفظ نظم اجتماعی گرفته می‌شود، محسوب می‌شود با نظم اجتماعی فرق دارد. محفوظیت از اعمال طبیعی خاص و محفوظیت از اعمال مضر افراد یا گروه، همه در این اصطلاح شامل می‌باشد.

بخش اول □ ۱۵

اصل (قانون) – Principle (of Law)

عبارت از قانون جامع و بنیادی، دکترین یا فرضیه، قاعده عمومی یا ضوابط اخلاقی و عملی می‌باشد که در اصول قانون‌گذاری مراعات می‌شود.

اصل قانونیت مجازات

NULLUM CRIMEN, NULLA POENA SINE

(Principle)

اصطلاح لاتینی و بیانگر اصل حقوقی بین‌المللی است که بنا برآن، عملی که در سابق انجام داده شده و در وقت انجام دادن جرم نبوده در حال و آینده پیگرد قانونی ندارد و شخصی که آن عمل مجاز را در گذشته انجام داده است از نظر قانونی بری می‌باشد. این اصل دارای این معنا نیز می‌باشد که قانون به طور دقیق باید طوری تدوین شود که در دسترس همه باشد و همه بدانند که فلان عمل در قانون منع شده است. در غیر این صورت دولت نمی‌تواند هیچ کسی را بدون وجود داشتن قانون واضح در سابق، به خاطر عمل گذشته اش مجازات کند. رجوع شود به اصل "عدم رجعت قانون به ماقبل".

استقلال قضاء – Judiciary independence

استقلال قضائی وقتی است که، در مقابل محکمه، صرفاً بر اساس موازین قانونی و دستورات وجدان خود، به دور از هرگونه نفوذ یا فشار بیرونی و درونی مبادرت به صدور حکم نماید. محکمه مستقل در ماده (۱۰) اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده (۱۴) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی لازمه تضمین امنیت افراد عنوان شده است.

برای تامین استقلال قضا بایست:

۱. موجودیت قوه قضائیه قوی‌ای مستقل که پشتیبانی حقوق فردی و اجتماعی و مسوول تحقق بخشیدن به عدالت باشد، ضروری است.

۲. قضات در انجام وظایف خویش نباید تحت فشار و اعمال نفوذ دیگر قوای حاکم باشند.

۳. اصل امنیت وظیفوی و مصونیت شخصی از جمله شرایطی است که قضات با دارا بودن آن، بدون هیچ گونه تشویش قادر به رسیدگی و صدور احکام مستند و مستدل خواهند بود.

□ ۱۶ اصطلاحات حقوق بشر

۴. اصل بیطرفی از لوازم اجتناب ناپذیر امر قضاء به شمار می‌آید.

اصول تاثیر بخش محاکموی -

هر شخص حق حمایتی ثمر بخش محاکموی را که در قانون اساسی یا سایر قوانین به او داده شده را دارد. تا از پامال شدن حقوق آن جلوگیری به عمل آید. اصول حمایت محاکموی زمانی ثمر بخش خواهد بود که محاکمه، عادلانه، به موقع و از طرف قضات با صلاحیت، بی‌غرض و بدون هر نوع تعصب انجام شود. در صورتیکه به عرایض و شکایات اشخاص در پروسه محاکموی در محاکم ملی اثر گذاشته نشود، سپردن این شکایات با اسناد معتبر به سازمان های ناظر بین‌المللی که در این راستا کار می‌کنند، نقش مهمی خواهد داشت. اگر این اسناد مدلل و مؤجه نباشد، سازمان‌های بین‌المللی در زمینه کاری به پیش برده نمی‌تواند.

الغای کار اجباری – Elimination of forced labor

کار اجباری در همه اشکال آن منع شده است. ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳۵ اعلامیه امریکائی حقوق بشر، ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۴ کنوانسیون اروپائی حقوق بشرو بند ۱، ۲ و ۳ ماده ۶ کنوانسیون امریکائی حقوق بشر و ماده ۵ منشور افریقائی حقوق بشر و ملل ناظر بر این معنی است.

مقررات مربوط به الغاء کار اجباری عبارتند از:

مقاله نامه ۲۹ در باره لغو کار اجباری مورخ ۱۰ جون ۱۹۳۰.

مقاله نامه ۱۰۵ در باره لغو کار اجباری مورخ ۲۰ جون ۱۹۵۷.

طبق ماده دو مقاله نامه ۲۹، کار اجباری عبارت از خدماتی است که با تهدید به مجازات و بی آنکه شخص ذینفع به میل و رضای خاطر برای آن داوطلب باشد، به وی تحمیل شود. از لحاظ مقاله نامه مزبور (مربوط به سازمان بین‌المللی کار)، امور زیر کار اجباری نیست:

۱. مکلفیت عسکری .

۲. هر کاری که جزء تعهدات مدنی و عادی اهالی کشور باشد.

۳. هر کاری که در نتیجه محکومیت در محکمه های صالح به محکومین تحمیل شود.

۴. هر کار و خدمتی که به حکم اجبار هنگام جنگ یا بروز پیش آمد های غیر مترقبه تحمیل شود.

۵. کار های روستائی به نفع مستقیم اهالی.

طبق ماده یک مقاله نامه ۱۰۵ در باره لغو کار اجباری هر یک از کشور های عضو سازمان بین المللی کار، که به این مقاله نامه ملحق شده اند، متعهدند که از کار اجباری به هر صورتی که باشد جلوگیری نمایند و از مبادرت به استفاده از هر گونه کار اجباری در موارد زیر خوداری کنند:

الف: کار اجباری به صورت تحمیل یا آموزش عقاید سیاسی، مجازات و تنبه به علت داشتن یا ابراز عقایدی که از نقطه نظرایدئولوژی مخالف سیستم موجود سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشد.

ب: کار اجباری به عنوان بسیج کارگران.

ج: کار اجباری به صورت انضباط.

د: کار اجباری به عنوان تنبه شرکت در اعتصاب.

ه: کار اجباری به صورت تبعیضات نژادی، اجتماعی، ملی و مذهبی.

ب

بردگی – Slavery

یعنی انسان در موقعیتی باشد که مالک خود نبوده بل متعلق به شخص دیگر باشد، یعنی به طور ملکیت شخصی در اختیار کس دیگر قرار گیرد. شخص برده از خود اختیار ندارد و مطابق میل آقایش رفتار می کند.

برده دارای جرم جنایی و یکی از نقایض عمده حقوق بشر بحساب می آید.

باورداشتن به قانون، اجماع حقوق دانان – Opinio Juris

یکی از دو عنصر دکترین قانون عرفی بین المللی (دیگر آن اجراء سازگار دولت) می باشد، باورداشتن به قانون مربوط می شود به عنصر روانی همراه با عمل دولت در عرصه بین المللی که به این باور انجام یافته که یکی از الزامات قانون بین المللی می باشد و نه یک موضوع تواضع، نزاکت، ضرورت یا مصلحت بینی. این یکی از دو اجزای موضوعی و کیفی یکی از دو منبع قانون عرفی بین المللی است که یک منبع نورم های حقوق بشر را تشکیل می دهد.

اصطلاح کامل لاتینی آن، *Opinio juris sive necessitatis* می باشد.

بخاطر وظیفه – Ex Officio

واژه است لاتینی و عبارت است از انجام دادن یک چیز بر مبنای اینکه آن چیز حصه از کار دفتری و وظیفه کسی است. مورد استعمال دوم این لفظ این است که مقام یا عضویت کسی در یک دفتر یا یک ارگان براساس مقام و منزلت این شخص در دفتر دیگر باشد. مثلاً سران کشور های اروپایی، اعضای کمیته وزیران شورای اروپا نیز می باشند و این عضویت به خاطر مقامی است که این ها در کشور های خود شان دارند. رئیس جمهور افغانستان سمت سر قوماندانی اعلی قوای مسلح افغانستان را نیز دارد و این مقام دوم یعنی سمت فرماندهی بر اساس مقام اول یعنی ریاست جمهوری وی است.

بررسی و تفتیش (تلاشی) – Search

به زور داخل شدن در خانه ای کسی به مقصد بررسی و تفتیش (تلاشی). چنین طرز وارد شدن به منزل شخص، حق حرمت منزل، حق زندگی خصوصی و امور

بخش اول □ ۱۹

خانوادگی شخص را پامال می‌کند ولی اگر داخل شدن به منزل به اجازه محکمه صورت گیرد، قانونی می‌باشد.

بیجا شدگان داخلی – Intenally displaced persons

فراریان جنگ‌های داخلی، آسیب‌های طبیعی و تناقضات قومی و قبیله‌یی و... نیز گروه بزرگ آسیب‌پذیر را تشکیل می‌دهد.

اصطلاح بیجا شدگان به گروه اطلاق می‌شود که بنا بر عوامل ناشی از تناقضات محلی، قومی، مذهبی، زبانی و غیره مجبور به ترک محل اصلی شان می‌شوند ولی از مرزهای سرزمین خویش بیرون نمی‌روند. حالت این گروه، از حالت شهروندی پناهنده (مهاجر) فرق دارد چون مرزهای کشور اصلی را عبور نکرده‌اند.

بیسوادگی – Illiteracy

به نداشتن توانایی خواندن و نوشتن اطلاق می‌شود. طبق احصائیه‌های معاصر بین‌المللی در جهان، ۹۰۰ میلیون تن از اشخاص بزرگ سال بیسواد می‌باشند. گراف بیسوادگی در کشورهای فقیر و عقب مانده جهان بالاتر می‌باشد. بیسوادگی با علل و عوامل مختلف همچو فقر، عدم دسترسی به خدمات صحی، عمر کوتاه، محیط - زیست ناسازگار، دسترسی نداشتن به آب صحی، ارتباط عمیق دارد.

بیکاری – Unemployment

حالتیست که به اثر آن افرادی دارای قابلیت کاری با سبب‌های ساختاری، سیاسی یا اجتماعی نمی‌توانند به کار مشغول شوند. مشغول کار بودن معنی اشتغال با مزد را می‌دهد که برای فرد موقع بدست آوردن اعاشه برای خود و فامیلش را می‌دهد.

بهره‌کشی یا سوء استفاده از اطفال

Child Exploitation

بهره‌کشی یا سوء استفاده از اطفال عبارت از عمل بی‌رحمانه یا استفاده اطفال به مقاصد تجارتي و صنعت می‌باشد، بهره‌کشی اطفال شامل: بهره‌کشی جنسی اطفال برای تأمین نفس یا دریافت پول، کارشبنه، بکارگیری اطفال که از روی سن و سال باید تعلیم ابتدائی گیرند، کار در شرایط خطرناک و مضر برای سلامت انسان مربوط به استحصال یا تولید داروهای منع شده، خرید و فروش اطفال، کار تحقیر آمیز و بی‌رحمانه.

□ ۲۰ اصطلاحات حقوق بشر

مقصد دراز مدت سازمان ملل متحد از بین بردن تمام انواع بهره‌کشی اطفال می‌باشد.

بازداشت موقت به وسیله مقام قضائی

Temporary arrest by judicial authorities

پس از تسلیم دوسیه به مقام قضائی، بازداشت موقت افراد تحت تعقیب، قبل از اعلام جرم که یکی از موارد نقض آزادی‌های فردی و اصل برائت به شمار می‌رود، در جای خود می‌تواند تسهیل کننده تحقیقات دستگاه قضائی باشد. در این صورت ارتباط با در نظر گرفتن سنگینی جرایم و برای جلوگیری از محور آثار و دلایل جرم و دیگر ملاحظات اجازه صدور قرار بازداشت به قاضی محکمه داده می‌شود. در این صورت وضعیت متهم باید در مدت معینه که در قانون ذکر شده روشن شود.

پ

Stare Decisis – پیرو از رویه قضائی

قانون مشترک و دکترین بنیادی فلسفه حقوق مشترک، یعنی محکمه وظیفه دارد تا در باره یک قضیه مثل فیصله های سابق این محکمه در باره قضیه های دیگر فیصله کند و صدور رای باید بر مبنای فیصله سابق باشد. یعنی مدعی می تواند در مورد یک قضیه به فیصله هایی که در باره قضیه هایی سابق صورت گرفته اسناد کند. این اصطلاح اگر چه اصطلاح حقوق بشر نیست اما گاه گاهی در ادبیات حقوق-بشر هنگام بحث در باره قضاوت سابقه محکمه، استعمال می شود.

پیگرد نمودن / تحویل دادن (اصل)

Aut Dedere Aut Judicare (Principle)

یک اصل قانون جزای بین المللی که در رابطه به استرداد مجرمین / فراریان جنایات بین المللی تطبیق می گردد. این اصل بیانگر آن است که هرگاه شخص مظنون-ارتکاب جرایم معین بین المللی از یک کشور باشد و در کشور دیگر مقیم شود، کشوری که مدعی علیه در آن مقیم است، تحت التزام قانونی قرارداد تا مدعی-علیه را دستگیر و مورد پیگرد قانونی قرار دهد و یا شخص مدعی علیه را به هر مقامی که خواستار استرداد چنین شخص باشد باید تسلیم نماید. این نوع التزام در بعضی از پیمان ها مثل کنوانسیون بر علیه شکنجه شده است. در انگلیسی بعضی اوقات این اصطلاح را "پیگرد تحویلدهی" می نامند.

پناهجو – Astlum Seeker

منظور از پناهجو بیشتر پناهنده سیاسی می باشد. پناهجو به کسی اطلاق می گردد که کشور اصلی خویش را بنا بر عوامل مختلف از قبیل دهشت، تعقیب و پیگرد سیاسی، عضویت در اجزاب سیاسی و داشتن عقاید مذهبی و تعلقات به گروه های مختلف اجتماعی و اقلیت های قومی ترک گفته، از کشور دیگری تقاضای پناهندگی می نماید. یا:

پناهجو و یا متقاضی پناهندگی به کسی اطلاق می شود که در کشور اصلی اش نسبت فعالیت های عقیدتی، جنس، نژاد، زبان، ملیت، و قوم مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته و یا عملاً در خطر شکنجه، زندان و مرگ قرار داشته باشد.

پناهنده – Refugee

پناهنده عبارت از شخصی است که کشورش را به مقصد نجات از زجر و اذیت ترک کرده است. پناهنده در کنوانسیون پناهندگان سازمان ملل متحد سال ۱۹۵۱ چنین تعریف گردیده است: پناهنده به کسی اطلاق می شود که در کشور بومی اش نسبت فعالیت های عقدتی، جنس، نژاد، زبان، ملیت و قوم مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته باشد و یا عملاً در خطر شکنجه (روحی و فیزیکی)، زندان و مرگ قرار گرفته باشد.

پناهنده در محل یا پناهنده مکان – Rerugee Sur Place

شخص مقیم در کشور خارجی زمانی پناهنده محسوب می شود که در کشور اصلی او تحولاتی رخ دهد و بخاطر خوف از تعقیب عدلی بنا بر مسائل نژادی، مذهبی، قومی، سیاسی و یا عضویت در گروه های اجتماعی مانع برگشت او می گردد. مثال آن چنین خواهد بود که یک دیپلمات کشور الف، در کشور ب، زمانی پناهنده خواهد شد که نظام سیاسی تغییر کند و در صورت عودت به کشورش (کشور الف) مورد پیگرد قانونی قرار گیرد، پناهنده در محل، شخصی نیست که کشور خود را ترک می کند، بلکه زمانی پناهنده گفته می شود که خود را در حالانی می بیند که تحول در کشورش صورت گرفته است.

پناهنده نا متعارف (در مقابل پناهنده پیمانی)

Non Conventioal Refugee

کسی که از کشورش فرار کرده اما شرایط لازم را برای پناهنده بودن پیمان ندارند. یعنی شرایطی را که یک پناهنده پیمانی باید داشته باشد، ندارد. پناهنده پیمانی در معاهده پناهندگان ملل متحد (۱۹۵۱) به طور واضح تعریف شده است.

ت

تعليق (شرط حقوق بشر)

Derogation (of human rights clause)

عبارت است از اقدام دولت برای به تعویق انداختن بعضی از حقوق بشر بعد از اعلان حالت اضطراری که زندگی مردم و تمام ملت را متاثر می‌سازد. در مدت حالت اضطراری برای معامله با حالات اضطراری گرفتن تدابیر لازم حتی اگر منجر به نقض حقوق بشر شود جایز است. حقوق خاص که در حالت اضطراری به حال تعلیق می‌آید در "بند ابطال" پیمان‌ها بیان می‌شود. برای مثال ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی "بند ابطال" این پیمان را تشکیل می‌دهد. "ابطالات" می‌تواند توسط ارگان بین‌المللی که وظیفه تطبیق این ابطال‌ات را به عهده دارد، نظارت شود.

توقیف احتیاطی – Preventative Detention

گاهی حکومت فردی را قبل از حاضر شدن در محکمه و پیش از ثابت شدن جرمش به زور زندانی می‌کند. زیرا طبق باور و گمان مقامات اجرایی مسوول، آن شخص برای امنیت ملی و حفاظت عمومی تهدید به حساب می‌آید. بیم دولت از عضویت فرد مظنون در باندها و حرکت‌های جنایی (از قبیل بم‌گذاری‌های تروریستی) و سهم‌گیری احتمالی وی در حرکت‌های خشونت‌آمیز باعث می‌شود تا قبل از معلوم شدن حقیقت برای جلوگیری از پیامد‌های سوء احتمالی، فرد مشکوک را توقیف کند.

توجیه (سیستم‌های حقوق بشر)

Rationalization (of Human Rights Systems)

حریان بررسی کار اصلی، ساختار، پروسه و نتایج سیستم حقوق بشر است که موثریت آن ارزیابی گردیده و تثبیت شود که سیستم تغییر باید تا بیشتر موثر، سودمند، کم‌مصرف تر و به امید اینکه بیشتر از پیش موثر گردد. این اصطلاح در پروسه بررسی کشورهای عضو از سیستم‌های حقوق بشر ملل متحد بطور بخشی از کنفرانس جهانی وینا سال (۱۹۹۳) روی حقوق بشر تطبیق گردید. هدف پروسه این کنفرانس، مخصوصاً در طی کارهای پیکر آن، توجیه فعالیت‌های حقوق بشر ملل متحد در تمام ارگان‌های آن و روش‌های پیمان آن بود. این پروسه، طور

مثال، سعی خواهد کرد تا روی هم قرار گرفتن و فعالیت تکراری را که به اساس پیمان یا میکانیسم‌های منشور‌ها وجود دارد، کشف و از آن اجتناب ورزد و نارسایی و مصارف بی‌جا را کشف و از بین ببرد. این اصطلاح به عموم می‌تواند برای تطبیق به یک پروسه در هر گونه سیستم حقوق بشر که بیشترین موثریت را با کمترین مصرف بدست آورده است، استفاده گردد.

تعیین معیار – Standard Settings

عبارت از روندی که یک مجتمع جهانی از قبیل سازمان ملل متحد برای تاسیس اصل‌های حقوقی از طریق پروسه ساختن پیمان‌ها، مثل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آن را انتخاب می‌کند. به بیان دیگر تعیین معیار روند مذاکره و انتخاب معیار‌های معین رفتار در موضوعات و مسایل خاص از قبیل شکنجه، پناهندگان، حقوق زن و غیره. به طور معمول، روند تعیین معیار، زمانی شروع می‌شود که یک یا چند کشور یا سازمان غیر دولتی پیشنهادش را به یک سازمان بین‌المللی برای گرفتن تصمیم راجع به تعیین معیار‌های حقوق بشر در زمینه‌های مخصوص، ارایه می‌کند. بعد از گذشتن از این مرحله یعنی مرحله تصمیم‌گیری، نوبت به مذاکره و انتخاب بیانیه‌ای می‌رسد که در آن معیار‌های حقوق بشر تذکر داده می‌شود. در نتیجه این روند به انتخاب و تصویب سند‌های حقوقی بین‌المللی و لازم‌الاجرا که در آن معیار‌های مثبت بیان شده، منجر می‌شود.

تخطی/نقض – Villation

ناکامی یک کشور در انجام دادن تعهدات حقوقی‌اش به معاهده‌های حقوق بشر و پیروی از آن، تخطی یا نقض گفته می‌شود که از طریق راه حل‌های داخلی یا بین‌المللی باید جبران شود.

این کلمه به طور متبادل به جای کلمه نقض (Breach) استعمال می‌شود.

تصمیم (یک کمیسیون/ کمیته)

Decision (of a Commission/ Committee)

عبارت از تصمیم‌گیری کمیسیون یا کمیته بعد از بررسی شکایت و ادعای نقض حقوق بشر. این تصمیم‌گیری در باره پذیرش شکایت است. یعنی آیا شکایت، شرایط لازم ملاحظه شدن را دارد یا خیر؟ و این تصمیم‌گیری، در باره ارزش و اعتبار شکایت است آیا شکایت مطرح شده واقعیت دراد یا خیر؟.

از لحاظ قانونی، "تصمیم‌ها" لازم الاجرا نمی‌باشند. در حالیکه قضاوت‌ها و فیصله‌های محکمه لازم الاجرا می‌باشند.

تبعیض/فرق‌گذاری – Discrimination (Principle)

این لفظ در حقوق بشر دارای دو معنای کاملاً متفاوت می‌باشد:

۱: معنای اول بیشتر در باره رفتار انسان‌ها است که به اشکال گوناگون و متفاوت دیده می‌شود. برای مثال رفتار متفاوت با یک شخص به خاطر مذهب، نژاد، رنگ و عقیده‌اش. در تعریف که در ماده ۱ کنوانسیون ملل متحد در باره پایان دادن به تبعیض نژادی^۱ دیده می‌شود. تبعیض نژادی این چنین و یا منشا ملی، قوم‌مبتنی بوده هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قراردادن شناسایی یا تمتع یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد.

تصفیه نژادی – Ethnic cleansing

این واژه برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۹۰ در جنگ بوسنی به وجود آمد که به معنای تصفیه و حذف نژادها از طریق ایجاد ترس تهدید و حتی تصفیه اجباری نژاد مخصوص از مناطق خاص جاگزین کردن نژاد واحد در آن مناطق استعمال می‌شد. خلاصه تصفیه نژادی یعنی: اخراج تمام افراد نژاد‌های دیگر از یک ناحیه و مستقر کردن نژاد خاص در آن ناحیه.

توصل به تمام مراجع دادخواهی داخلی

Exhaustion of Domestic Remedies

عبارت است از اصل عمومی که طبق آن هر کسی که می‌خواهد طبق قانون بین‌المللی در محاکم جهانی شکایت ارائه کند، باید قبل از متوسل شدن به محاکم قضائی یا شبه قضائی مثل کمیسیون حقوق بشر، به تمام چاره‌جویی‌ها و راه‌حل‌های موجود و موثر داخلی مراجعه کند البته موارد استثنائی از این اصل نیز وجود دارد مثلاً جایی که متوسل شدن به چاره‌های داخلی سودی نداشته باشد یا دولت از استفاده از این اصل جلوگیری کند که در چنین موارد می‌توان به طور مستقیم در محکمه بین‌المللی شکایت کرد.

این بدین معنا است که کسی که ادعای نقض حقوق بشر می‌کند باید قبل از اقامه دعوا در محاکمی جهانی اول به بلندترین محاکم کشور خودش مراجعه کند. در

صورت مراجعه نکردن به راه‌حل‌های داخلی، راه‌ورودی بر شکایت در محاکم جهانی، بسته می‌شود و این شخص نمی‌تواند در محاکمی جهانی اقامه دعوا کند.

تطبیق (نورم‌های حقوق بشر)

Implementation (of Human Rights Norms)

عبارت است از اقدام‌های قانونی، سیاسی و عملی برای اثر بخشیدن به حقوق بشر و تضمین بهره‌برداری واقعی افراد از حقوق بشر از طریق تدابیر استوار. گاهی به جای این کلمه، کلمه (Enforcement) استعمال می‌شود که معنای ضمنی دوم، "در عمل پیاده کردن" است. حقوق بشر تطبیق شدن است.

تطبیق، کلمه‌ای است که برای توصیف هرگونه روش و وسایل تحقق حقوق بشر استعمال می‌شود.

سیستم گزارش‌دهی، محکمه، تبلیغات بد یا بدگویی علیه ناقضین همه تدابیر اجرایی حقوق بشر به حساب می‌آیند.

نقش، بررسی به منظور حقیقت‌یابی

In loco (Investigation/ Fact-finding/ Visit)

تفتیش و بازرسی از جایی (کشوری) که در آن یا نزدیک آن نقض حقوق بشر صورت گرفته باشد. این تفتیش معمولاً توسط هیأت‌اجرایی یا نظارتی در امور حقوق بشر اجرا می‌شود که این هیأت برای جمع‌آوری معلومات دست‌اول، فوری، دقیق و قابل اعتبار و گزارش دادن آن معلومات به هیأت، نماینده‌اش را به ناحیه می‌فرستند که این نماینده برای جمع‌آوری معلومات و حقیقت‌یابی در باره نقض حقوق بشر برای هیأت فرستاده‌شان گزارشات لازم را تهیه می‌کند و می‌فرستد.

تدابیر موقتی – Interim Measures

تدابیری که از طرف ارگان بین‌المللی چون محکمه یا کمیسیون برای تثبیت و برقراری وضعیت موجود فعلی بعد از دایر شدن شکایت، دستور داده می‌شود یا تقاضا می‌شود. محکمه یا کمیسیون برای جلوگیری از اقدام‌های دولت چون اعدام و اخراج که به شاکی‌های جبران‌ناپذیر وارد می‌کند، به گرفتن این تدابیر دستور می‌دهد تا از آسیب رساندن دولت به شخص شاکی جلوگیری بعمل آید. یکی از تدابیر موقتی این است که از دول خواسته می‌شود تا از اعدام یا اخراج شاکی موقتاً صرف نظر کند تا محکمه یا کمیسیون تحقیقات لازم را در باره

ادعای شاکی و نقض حقوق بشر توسط دولت انجام داده و در باره ارزش‌ها و اعتبارات عریضه و ادعای نقض حقوق بشر توسط دولت، تحقیق کند. در خواست برای این تدابیر ایمنی، گاهی از جانب شاکی/مشاخر دایر می‌گردد و گاهی محکمه یا کمیسیون با استفاده از اختیارات قانونی‌اش به چنین تدابیر دستور می‌دهد یا چنین تدابیر را در خواست می‌کند.

تجدید نظر قضایی – Judicial Review

توانایی محکمه یا دیوان برای بررسی و مرور تصمیم یا عمل دولت به منظور بررسی مشروعیت و عدم مشروعیت آن. اختیارات قضایی برای تأیید یا رد تصمیم دولت. بررسی ارزش‌ها و اعتبارات یک اقدام، توسط محکمه عالی یا بالاتر بعد از ارایه در خواست از جانب طرف دعوا.

تبعیض نژادی – Racial Discrimination

تبعیض از لحاظ لغوی، جدا کردن برخی را از برخی دیگر، برخی را قبول و برخی را رد کردن و بعضی را بر بعضی ترجیح دادن است. تبعیض نژادی به معنی هرگونه تبعیض، محرومیت، محدودیت یا امتیاز بر مبنای نژاد، رنگ، اصل و نسب، یا ریشه ملی و قومی است که در شناسایی، برخورداری یا اجرای مساوی حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر زمینه‌های مربوط به زندگی لطمه وارد می‌سازد. در قسمتی از ماده اول اعلامیه اسلامی حقوق بشر آمده است: بشر بطور کلی یک خانواده می‌باشد که بنده‌گی نسبت به خداوند و فرزندی نسبت به آدم‌آنها را به هم گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسوولیت بدون هرگونه تبعیض از لحاظ نژادی یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابسته‌گی سیاسی یا وضع اجتماعی و... برابر اند. در ماده (۵۵) منشور سازمان ملل متحد، با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت آمیز و دوستانه بین‌المللی بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب تأکید شده است.

تعقیب قانونی – Legal prosecution

با قبول لازم الاحترام بودن آزادی و امنیت افراد، نباید فراموش کرد که ارتکاب جرم، به عنوان یک حقیقت تلخ، در هر جامعه مطرح است. پس، به همان اندازه که دولت‌ها متعهد به احترام نسبت به حقوق و آزادی‌های افراد اند، مبارزه با مجرمان، برای حفظ نظم جامعه نیز از جمله تکالیف حکومتی به شمار می‌رود. اما، در تلفیق بین حرمت اشخاص و نظم جامعه باید توجه داشت که آزادی، به عنوان یک حق طبیعی، رایج و متداول است و تعرض به نظم جامعه امر استثنائی به شمار می‌رود که در این صورت تعقیب و دستگیری افراد متعرض باید منطقی، توجیه پذیر و بر اساس ضوابط قانونی باشد.

تفهیم اتهام – Explanation of accusation

بر اساس بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «هر کسی که دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات «علل» آن مطلع شود و در اسرع وقت اطلاعیه دستگیری دایر به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، در یافت دارد.»

تسریع در تفهیم اتهام بدین جهت اهمیت دارد که فرد مورد اتهام، از همان ابتدا، برای دفاع و با احتمال سوء تفاهم از دستگیری خود، آگاهی لازم پیدا می‌کند. بند های ۴ و ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هر کسی که بر اثر دستگیری یا بازداشت شدن از آزادی محروم می‌شود حق دارد که به محکمه عرض نماید. به این منظور که محکمه بدون تاخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رای بکنند. در صورت غیر قانونی بودن بازداشت، حکم آزادی او را صادر کند.

هر کسی که به طور غیر قانونی دستگیر یا بازداشت «زندانی» شده باشد حق جبران خسارات خواهد داشت.»

ج

جرم عمده – Core Crime

جرم عمده در حوزه قضایی بین‌المللی مساله اصلی و مورد بحث به شمار می‌آید. و این لفظ برای تعیین جرایم نهایت مهم است که در محکمه با آن‌ها پرداخته می‌شود و همچنان به جرایمی که در حوزه قدرت ذاتی این محکمه قرار دارند اطلاق می‌شود. جرم عمده در حوزه صلاحیت محکمه جنایی بین‌المللی قرار دارند به کار می‌رود. عبارت اند از نسل‌کشی، جرایم جنگی، جنایت علیه بشریت و در آینده جنایت تجاوز و تعرض (بعد از تعریف و تأیید تجاوز به عنوان جرم).

جنسیت – Gender

یک اصطلاح مباحثه‌ای در معانی مختلف است که عموماً هیچکدام آنها قبول نشده است. معنی عامتر و شاید هم بیشتر که قبول شده اینست که این لغت به نوع جنسیت مذکر و مونث راجع می‌گردد. در دیگر زمینه‌ها، گفته شده است که به رابطه بین زنان و مردان به اساس نقشهای تعیین شده اجتماعی که به یک جنسیت یا دیگر آن سپرده شده، راجع می‌گردد. بعضی دیگر می‌گویند که این لغت راجع می‌شود به رفتارها، حالت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و روانی که با یک جنسیت یا دیگر آن همبسته می‌باشد. در قانون موضوعه محکمه جزایی بین‌المللی صراحت دارد که اصطلاح جندر به جنسیت مرد و زن در زمینه یک جامعه ارتباط می‌گیرد.

ح

حقوق بشر مطلق – Absolute (Human) Right

حق که در تمام مدت وجود دارد و می‌شود که از آن، بدون توجه به درمیان آمدن حالات، دفاع کرد. این حق نمی‌تواند که محدود یا مقید باشد. این حق غیر قابل تعلیق می‌باشد حتی در حالات اضطرار عمومی. آزادی از شکنجه یک مثال از حق مطلق بشری می‌باشد. این در نظر اول متباین با حقوق بشر است که می‌تواند محدود یا فسخ گردد. مثلاً: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۶ حق مطلق را بیسان می‌کند در حالیکه ماده ۱۲ *Prima facie* حقوق بشر را در نظر اول بیان می‌کند.

حراست، حفاظت – Safeguards

مجموعه اقدامات پیشگراانه کتبی که خیره‌گان در ملل متحد آن را می‌نویسند و در اسناد غیر لازم الاجرا می‌گنجانند. این اقدامات به کشور های کمک می‌کند تا تدابیر خاص را در سطح ملی با همکاری سکتورهای حکومتی اجرا کنند تا رفتارهای حکومت طوری باشد که با معیارهای حقوقی و بین‌المللی حقوق بشر هماهنگی داشته باشد.

بطور مثال: تدبیر حفاظتی ملل متحد از محافظت کسانی که به اشد مجازات محکوم شده‌اند، به حکومت خصوصاً به مسوولین زندان کمک می‌کند تا اعدام یا اشد مجازات را طوری اعمال کنند که با حقوق بشر و عظمت فطر فرد اعدامی – صرف نظر از هرگونه جرمی که مرتکب شده است – در تضاد نباشد. این اقدامات اگرچه به عنوان قانون بین‌المللی لازم الاجرا نیست اما سازمان ملل متحد علاقمندی نشان می‌دهد تا این اقدامات را لازم الاجرا بسازد و تحت قانون ملی یا داخلی از – هر راه ممکن آن را عملی سازد.

حقوق بشر سکتوری – Sectorial Human Rights

این اصطلاح با اصطلاح حقوق بشر بخشی هم معنا است یعنی حقوق بشری که به افراد یا حالات خاص مربوط باشد. حقوق اطفال و پناهندگان از جمله حقوق بشر سکتوری هستند.

حقوق بشر اجتماعی – Social Human Rights

حقوق بشر اجتماعی در مقابل حقوق بشر فرهنگی و اقتصادی:

۱. حقوق بشر اجتماعی یکی از سه طبقه نسل دوم حقوق بشر (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) را تشکیل می‌دهد. حقوق بشر اجتماعی عبارت است از حقوق افراد بر اساس روابط اجتماعی شان بطور مثال حق ازدواج، حق تشکیل خانواده و حق تشکیل اتحادیه کارگران همه از حقوق بشر اجتماعی می‌باشند.
۲. حقوق بشر اجتماعی در مقابل حقوق بشر کلاسیک: گاهی حقوق بشر اجتماعی به حقوق بشر فرهنگی و اقتصادی به عنوان نوع متمایزی از حقوق بشر در مقابل حقوق بشر کلاسیک نیز استعمال می‌شود و حقوق بشر- کلاسیک عبارت است از حقوق مدنی و سیاسی، پس حقوق بشر اجتماعی در مقابل حقوق بشر سیاسی و مدنی قرار دارد. به معنای جامع‌تر، حقوق بشر- کلاسیک تمام نسل اول حقوق بشر را در بر می‌گیرد در حالیکه حقوق بشر- اجتماعی تمام نسل دوم حقوق بشر را شامل می‌شود.

حقوق همبستگی – Solidarity Rights

این اصطلاح در دو مورد کاملاً متفاوت استعمال می‌شود.

۱. این حقوق شامل نسل سوم حقوق بشر می‌شود حقوق همبستگی یعنی نسل سوم حقوق بشر. دلیل نام گذاری نسل سوم حقوق بشر به حقوق- همبستگی این است که طبیعت این حقوق طوری است که برای اثر- بخشیدن به آن به همکاری های بین‌المللی و فعالیت های مشترک نیاز- است. بطور مثال حق صلح حق نگهداری محیط زیست و غیره که برای به دست آوردن این ها به همکاری مشترک و دسته جمعی نیاز است.
۲. حقوق همبستگی عبارت است از حقوق خاص در فهرست نسل سوم حقوق بشر و تعریف این حق چندان هم آسان نیست و تقریباً عبارت است از حق کار کردن مشترک با کشورها یا سازمان های دیگر برای حاصل کردن هدف های حقوق بشر. وابستگی متقابل کشورها به همدیگر از معنای دوم ضمنی این اصطلاح است.

حد اقل قواعد معیاری (ملل متحد)**Standard Minimum Rules (UN)**

عبارت است از مجموعه قواعدی که توسط سازمان ملل متحد پیش نویس شده است. این قواعد به کشورها کمک می‌کند تا رفتار های شان را در زمینه های معین یا معیارهای بین‌المللی حقوق بشر مطابقت دهند. جامعه جهانی این قواعد را پایبندترین معیار قابل قبول که با عظمت انسانی سازگاری دارد، می‌داند. این قواعد اگرچه از نظر حقوق لازم الاجرا نیستند اما از کشورها به شدت و رغبت تمام خواسته می‌شود تا این قواعد را در عمل پیاده کنند و حتی این قواعد را به قانون- ملی شان مبدل سازند.

بطور مثال: پایبندترین دستورهای معیاری ملل متحد در باره زندانیان نمونه‌ی از پایبندترین دستورهای معیاری است که در سال ۱۹۵۷ توسط سازمان ملل متحد ایجاد شده است.

حالت محاصره – State of Siege

این اصطلاح حقوقی عبارت است از حالت اضطراری که زندگی مردم را در یک جامعه متاثر می‌سازد و در نتیجه حمله مسلحانه یا تهدید شدن حکومت از جانب حکومت دیگر، به وجود می‌آید. وجود و اعلان وضعیت اضطراری به حکومت اجازه می‌دهد تا برای به دست آوردن وضعیت عادی، بعضاً حقوق بشر را به حال تعلیق در آورده زیرا در وضعیت اضطراری، حکومت به رعایت تمام اصول حقوق بشر مکلف نیست. دوره اضطراری که به آن دوران وضعیت فوق‌العاده نیز گفته می‌شود دوران استثنایی نیز یاد می‌شود زیرا در این مدت اجرا نکردن بعضی حقوق بشر که با امنیت و نظم ملی سازگار نباشد، مجاز و مستثنا است.

حقوق بشر (امرا معاس) – Subsistence (Human Rights)

این اصطلاح آن عده از حقوق بشر را بیان می‌کند که ضرورت های اولیه و نیازمندی های بنیادی انسان ها را از قبیل حق بهره‌مند بودن از نان، لباس، خانه، معالجه طبی بر آورده می‌سازد. یعنی حقوقی که برای حفظ عظمت بنیادی انسان ضروری است، حقوقی که زندگی بدون آن ممکن نباشد.

حکومت استبدادی – Tyranny/ Tyrant

حکومت استبدادی حکومتی است که در آن تمام قدرت به دست یک فرد باشد و حاکم مستبد کسی است که هیچگونه محدودیت قانونی را نمی‌شناسد، کسی که

قانون اساسی برایش هیچ ارزش و اعتبار نداشته باشد و بدون احساس مسوولیت به طور ظالمانه به مردم حکومت کند و هرگونه عملش را مجاز و مشروع بداند.

حقوق بشری زنان – Women Human Rights

این اصطلاح به آن عده از حقوق بشر که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به جنس مونث مربوط باشد، اشاره دارد. تبعیضات جنسی، تجاوز جنسی، تولید مثل و حقوق اقتصادی همه از مسائلی است که به حقوق بشری زنان مربوط می‌شوند. کنوانسیون سازمان ملل برای ختم تبعیض علیه زنان (سال ۱۹۷۹) یکی از نمونه‌های ادبی است که حقوق زنان را بیان می‌کند.

زنان مستحق استفاده از حقوق انسانی مساویانه در همه ساحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و عرصه‌های دیگر اند. این حقوق، شامل حق زندگی مساوات، آزادی، مصئونیت شخصی، مساوات در مقابل قانون، آزادی از تبعیض، برخورداری از صحت جسمی و روانی کامل، شرایط عادلانه و مناسب کار، آزادی از شکنجه و اعمال ظالمانه دیگر و برخورد غیر انسانی می‌گردد.

خشونت علیه زنان به هر شکلی که باشد حق زنان را در استفاده از حقوق و آزادی‌های اساسی و انسانی شان پایمال و آسیب پذیر می‌سازد.

زنان دستگیر شده و توقیف شده نباید از تبعیض متضرر شوند و باید از هرگونه خشونت و سوء استفاده در امان بمانند. زنان توقیف شده باید توسط زنان تلاشی، نظارت و اداره شوند. برای زنان حامله و مادران شیرده باید تسهیلات لازم آماده-گردد.

حالت مخاصمه – Animus Belligerande

نیت درونی یک کشور که برای وارد شدن به حالت مدنی جنگ (حالت-مخاصمه) ضروری می‌باشد. این به معنای نیت رسمی ذهنی است که جنگ بر علیه یک کشور دیگر به سبب یک حادثه یا عمل تخطی تصادفی برپا می‌گردد.

حمله – Attack

یک عمل خشونت که بر علیه یک خصم چه در حالت تهاجم و چه در حالت دفاع، انجام می‌آید.

حقوق بنیادی بشر – Basic Human Rights

این اصطلاح به صورت عموم به آن نوع حقوق بشری اطلاق می‌گردد که در عموم چیزهای لازم و ضروری حقوق بشری در هر دو قانون ملی و بین‌المللی گنجانیده شده است. این حقوقی است که ضروریات مادی و غیر مادی را رفع می‌کند که این خود نمایانگر هستی بشری است. کدام لست عمومی از این چنین حقوقی وجود ندارد اما اکثراً شامل حق زندگی، غذا، سرپناه، معالجه، آزادی از شکنجه و آزادی مذهبی و سایر حقوق اساسی انسان‌ها می‌باشد.

حامل، دارنده – Bearer

شخصیت حقوقی چه یک کشور باشد، یک گروه یا یک فرد، هر کسی که موضوع حقوق می‌باشد. در قوانین بین‌المللی بحثی حامل دارنده حقوق شناخته شده است. دارنده یا حامل حقوق هر دو همسان هستند. کسی که دارنده و مالکیت بر حقوق را دارد یا می‌تواند قانوناً ادعای حقوق بنماید. این همچنان به شخصی اطلاق می‌گردد که حق دفاع از چنین حقوقی را دارد. بشر اصل حاملین حقوق بشر می‌باشد به کشورها.

حقوق اطفال – Children Rights

مجموع اصول قراردادی قانون رایج جهان برای حفاظت اطفال از طریق تاسیس معیارهای اصولی مربوط به حقوق اطفال که مورد قبول حقوق جهانی و مورد قبول سیستمی است که خواهان اجرای آن اصول است.

کنوانسیون ۱۹۸۹ سازمان ملل در مورد حقوق اطفال، از نمونه و مثال‌های حقوق-اطفال است.

حقوق بشری مدنی – Civil Human Rights

حقوق بشر مدنی، مربوط به توده مردم، فعالیت‌ها، ضروریات و مسایل کشوری آنها می‌شود که این مسایل مدنی جدا از مسایل (مذهبی و نظامی) خاص است. اصطلاحی که توصیف کننده یک طبقه از حقوق بشر است که همان حق افراد برای لذت بردن از آزادی در جامعه مدنی و برابری با دیگران است. حقوق بشر-مدنی یک حصه از نسل نو حقوق بشر است. حقوق و آزادی‌های فردی از قبیل آزادی حق زندگی، آزادی بیان، آزادی مذاهب و آزادی نضت، عدم تبعیض طبق روند قانون، آزادی از شکنجه، آزادی و امنیت افراد.

بخش اول □ ۳۵

البته این حق مدنی، با حق بشر مدنی که در ایالات متحده به کار برده می‌شود فرق دارد، اگر چه بعضی از حقوق مدنی حقوق بشر مدنی نیز هست: برای مثال برابری - نژادی و عدم تبعیض.

حقوق کلاسیک - Classical Rights

اصطلاحی که برای طبقه‌های از حقوق سیاسی و مدنی استعمال می‌شود و از نظر تاریخی عبارت از اولین حقوقی اند که باید به رسمیت شناخته شوند. هدف از این حقوق، حفاظت افراد از اقدام حکومت است و این حقوق در مقایسه با حقوق اجتماعی که به عنوان جامع بر حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دلالت دارد، استعمال می‌شود.

حق مدنی - Civil Rights

این کلمه بیشتر در ایالات متحده استعمال می‌شود. و مراد از این حق، حق غیر - سیاسی اتباع، حق آزادی و حق برابری است که در قانون اساسی و سایر اسناد - تقنینی گنجانیده می‌شوند.

هدف حقوق مدنی، تضمین احترام به افراد در جامعه مدنی است و این حق از - طرف دولت از طریق قانون گذاری، به افراد داده می‌شود. هدف حقوق مدنی، به - وجود آوردن جامعه هماهنگ، جامعه امن و جامعه با ثبات است. دولتی که این حق را اعطا می‌کند، حق لغو یا اصطلاح قانون گذاری حقوق مدنی را نیز دارد.

اما حقوق بشر برخلاف حقوق مدنی، از طرف دولت‌ها اعطا نمی‌شود. بلکه وجود حقوق بشر در تمام انسان‌ها ذاتی و فطری است. کار دولت‌ها در این زمینه، به رسمیت شناختن حقوق بشر در سند و پیمان حقوق بشر است و دولت‌ها حق ابطال، لغو یا تصحیح حقوق بشر را ندارند اگر چه بعضی از این حقوق بشر در شرایط اضطراری، قابل تحدید و تعلیق می‌باشند.

حقوق بشر دسته جمعی (در مقابل حقوق بشر فردی)

Collective (Human Rights)

این گونه از حقوق بشر یکی از دو قسم ذیل است:

اول: حقی که مال گروه و دسته از مردم است اما برای منفعت اعضاء و افراد. دوم: حق افراد و اعضاء اما برای منفعت دسته جمعی همه گروه.

□ ۳۶ اصطلاحات حقوق بشر

این حق در مقابل حقوق فردی است که عبارت از حق فردی افراد است. این حقوق صرف نظر از وابستگی افراد به کدام گروه مربوط است. حقوق اقلیت‌ها و حقوق بومی از نمونه‌های حقوق گروهی یا دسته جمعی اند. البته نظریه حقوق گروهی مورد پذیرش همه نیست و هنوز مورد اختلاف است.

حقوق بشر عمده - Core (Human Rights)

این واژه به طور دقیق تعریف نشده و اینکه کدام حقوق بشر عمده به شمار می‌آیند در تعریف این لفظ بیان نگردیده است. حقوق عمده شامل حق زندگی، حق - آزادی سخن و حق آزادی از شکنجه می‌باشد.

این حقوق برای وجود عظمت انسان‌ها کاملاً ضروری شمرده می‌شود. این واژه معادل است با لفظ (*Nondetachable rights*) یعنی حقوق فسخ ناشدنی.

حق بشری فرهنگی - Cultural (Human Rights)

یک کتگوری از حقوق بشر که به طور عموم از حق انسان برای شرکت در زندگی فرهنگی برای سهم گیری در پیشرفت علمی و برای حمایت از منافع اخلاقی و مادی در عرصه‌های تولیدات علمی، هنری و ادبی و برای به دست - آوردن تعلیم و حفظ شناخت فرهنگی، سنت و زبانش، حمایت می‌کند. این حقوق انسان را در باره به دست آوردن معلومات، آموزش بهره گیری از داشته‌ها و ارزش‌های فرهنگی اطمینان می‌دهد. حق تعلیم یکی از عمده ترین حق فرهنگی است. برای حقوق فرهنگی تعریفی کاملاً جامع که مورد پذیرش همه باشد وجود - ندارد. این حقوق فرهنگی بخشی از حقوقی موسوم به "نسل دوم حقوق بشر" همراه با حقوق اجتماعی و اقتصادی، می‌باشند.

حقوق بشری (اعلانی) - Declaratory (Human Rights)

حقوق اعلانی عبارت اند از حقوق بشری که در بیانیه‌ها و گاهی در پیمان‌ها توسط یک هیات با اختیار سازمان جهانی چون ملل متحد بیان شده باشد ولی این به این معنا نیست که این اعلامیه‌ها اصول الزامی را می‌سازند. بلکه تنها حقوقی را اعلام می‌کنند که از نظر یک هیات، حقوق بشر به حساب می‌آید. حقوق اعلانی برای اصول حقوقی پیمان نقش اساسی و پایه را دارد. تعریف کلیدی حقوق اعلانی این است که این حقوق از نظر قانونی لازم الاجرا نیستند. وقتی این حقوق اعلانی همراه با اصطلاح "حقوق بین‌المللی رایج" استعمال می‌شود به این معناست که آیا

بخش اول □ ۳۷

پیمان خاص باعث رشد حقوق بین‌المللی رایج می‌شود یا نه؟ و این، به این معنا نیز هست که پیمان خاص به قصد تدوین اصل‌های حقوقی موجود تهیه شده که به چنین پیمان "اظهاریه قوانین رایج بین‌المللی" گفته می‌شود.

حقوقی (در مقابل عملی) – DE JURE

چیزی که وجودش خواسته قانون باشد. یعنی قانون وجودش را تقاضا کند و در نتیجه اجرای قانون به وجود آید در مقابل DE FACTO که عبارت از وجود خارجی یک چیز، توسط اعمال انسان‌ها است.

حقوق بشر قابل تعلیق – Derogable (Human Rights)

حقوق قابل تعلیق به حقوقی گفته می‌شود که در حالات اضطرار عمومی صلاحیت این را داشته باشند که اعلان دولت را ادامه و به تعقیب پیمان حقوق بشر، به حال تعلیق در آیند. تا زمانیکه حالت اضطراری ادامه داشته باشد همه حقوق به حال تعلیق در می‌آیند و دولت حقوق غیر معلق را معین می‌کند و بقیه حقوق همه قابل تعلیق به حساب می‌آیند.

حقوق داخلی / ملی (در مقابل حقوق بین‌المللی)

Domestic law (Vs. international law)

معمولاً عبارت است از قانون ملی یک کشور که تنها در قلمرو خاک آن کشور قابل اجرا است.

اصطلاحات حقوق ملی یا شهری برای تمیز و تفکیک از قانون بین‌المللی استعمال می‌شوند که در سطح بین‌المللی بر همه کشورهای تصویب کننده قابل اجرا است ناگفته نماند که حقوق بین‌المللی با حقوق خاص و جزایی خانوادگی و حقوق مخصوص حکومت شهری سر و کار ندارد.

توجه: اصول بین‌المللی حقوق بشر که در معاهدات حقوق بشر موجود می‌باشد، صلاحیت این را دارند که از طریق قانون ملی لازم الاجرا گردند.

حقوق اقتصادی (بشری) – Economic (Human Rights)

یک کتگوری حقوق بشر که هدف آن اطمینان یافتن از این است که بشر توانایی بدست آوردن و برقرار داشتن یک معیار مناسب زندگی را که سازگار با شان انسانی باشد، دارد. حقوق ویژه آن شامل حق داشتن غذا، خدمات صحی، امنیت-اجتماعی، اگر و فراغت و حق تشکیل اتحادیه تجاری می‌باشد. حقوق اقتصادی

□ ۳۸ اصطلاحات حقوق بشر

منحیث حقوق برنامه‌ی یا جلو زونده ملاحظه می‌گیرد. اینها بخشی از "تولید دوم" حقوق بشری را همراه با حقوق اجتماعی و فرهنگی شکل می‌دهد.

حوزه / صلاحیت فرامرزی

EXTRA TERRENARIAL JURISDICTION

عبارت است از حد تمرین و اقدامات حقوقی یک کشور یا سعی یک کشور در توسعه دادن صلاحیت‌ها و اقدامات قانونی‌اش در کشوری که خارج از حوزه قضایی این کشور می‌باشد یا جاهای که اصلاً کشور و دولتی وجود ندارد مثل فضا و دریا های آزاد.

حل و فصل دوستانه – Friendly Settlement

عبارت است از نتیجه روند مصالحه رسمی یا گفت و گوی غیر رسمی بین عارض / شاکی / تقاضا کننده و کشوری که به زیر پا گذاشتن اصول حقوق بشر و نقض تعهداتش در قبال حقوق بشر متهم است که در این مصالحه، مدعی و مدعی علیه در مورد چگونگی حل و فصل قضیه مورد نزاع به توافق می‌رسند.

اگر برای حل قضیه کدام توافق پیدا شود درین صوت گفته می‌شود که دو طرف به حل و فصل دوستانه رسیده اند. معمولاً دولت به مدعی غرض الغا یا اصلاح قانون یا قطع کردن روند دادخواهی مقدار پول می‌پردازد. روند مصالحه یا آشتی معمولاً توسط اعضای محکمه‌ای انجام داده می‌شود که شکایت در آنجا دایر شده باشد از طریق اجرای مصالحه، مدعی و مدعی علیه را به حل و فصل دوستانه برسانند.

محکمکه این نکته را باید تضمین نماید که حل و فصل دوستانه باید مطابق و سازگار با اصول حقوق بشر باشد.

حقوق (بشر) گروهی – Group (Human) Rights

مساوی است با "حقوق دستجمعی". اینها حقوق بشری هستند که گفته می‌شود که:

۱. از یک گروه یا افراد عضو همان گروه می‌باشد.
۲. از افراد عضو گروه بخاطر فایده همان گروه می‌باشد؛ و بعضاً می‌گویند که این حق از دسته‌ای از یک گروه می‌باشد.

این حقوق در عموم متباین با حقوق فراد می‌باشد که هر فرد بدون توجه به متعلق بودن به یک گروه دارد. بعضاً حقوق مثل حقوق اقلیت و ذاتی گفته می‌شود که

حقوق دستجمعی یا گروهی می‌باشد. مفهوم حقوق دستجمعی گروهی بحث برانگیز است و بطور جهانی قبول نشده است.

حقوق سخت و صریح (در مقابل حقوق نرم و مبهم) Hard Law (vs. Soft law)

نورم‌های که حقوق و تعهدات قانونی دقیق و به طور عموم مورد قبول را بوجود می‌آورد. نظام هنجاری حقوق بین‌الملل که در قانون پیمانی، قانون عرفی بین‌المللی و معیارهای عمومی قانون گنجانیده می‌شود و کشورها از آن پیروی می‌کنند. قانون سخت در تبیین قانون نرم واقع می‌شود که بیشتر مبهم است و اکیداً غیر-صریح بوده و از نظر قانونی لازم الاجرا نیست اما ممکن است نفوذ اخلاقی و سیاسی داشته باشد.

حامل یا دارنده (حقوق بشر)

Holder (of Human Rights)

کسی که صاحب حق باشد و بتواند آن را ادعا و از آن دفاع کند. شخصیت-حقوقی فرد باشد یا گروه که در حقوق بین‌الملل موضوع حقوق بشر باشد، به نام حامل آن یاد می‌شود. معمولاً این واژه به کسی که حق دفاع از چنین حقی را داشته باشد نیز گفته می‌شود. انسان‌ها حاملین و مالکین حقوق بشر اند نه دولت‌ها و حکومت‌ها.

حقوق بشر – Human Rights

حقوق بشر حقوق فطری و ذاتی انسان‌ها اند که انسان‌ها به خاطر ویژگی‌ها و خصوصیات انسانی شان این حقوق را دارا می‌باشند و حقوقی نیستند که از جانب مقامات دیگر چون شاه، دولت یا مقامات مذهبی و سیکولر قابل اعطا باشند. اینها حقوقی اند که به انسان‌ها اجازه می‌دهد تا نگذارند عظمت فطری شان مورد سوء استفاده قدرت حکومت یا عاملین غیر حکومتی قرار گیرد. عاملین که حفاظت افراد از شر این عاملین وظیفه دولت و حق افراد بر دولت می‌باشد. به حقوق بشر حقوق-اولیه و بنیادی نیز گفته می‌شود. این حقوق بشر با حقوق مدنی که در ایالات-متحده وجود دارد یکسان نیست زیرا حقوق مدنی در ایالات متحده حقوقی اند که از جانب قوه مقننه به افراد اعطا می‌شود در حالی که حقوق بشر حقوق فطری و ذاتی انسان‌ها است که از جانب کسی اعطاء نمی‌شود.

حقوق بشر فوری (در مقابل حقوق بشر تدریجی)

Immediate Human Rights (V.s Progressive Human Righyts)

به آن حقوقی گفته می‌شود که بعد از تصویب یک پیمان توسط دولت، افراد، حقوق بشری را که در پیمان گنجانیده شده از دولت حاصل می‌کنند و از آن استفاده می‌کنند. این در مقایسه با حقوق بشر تدریجی استعمال می‌شود که در حقوق بشر تدریجی، وظیفه دولت تنها اقدام به اجازه دادن اجرای نهایی حقوق-بشر می‌باشد. حقوق گنجانیده شده در "میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی" و کنوانسیون اروپا در باره حقوق بشر از نوع حقوق بشر فوری می‌باشند.

حبس یا زندانی کردن (فرد) – Imprisonment (of preson)

محروم کردن کسی از آزادی‌های شخصی‌اش در نتیجه محاکمه نهایی آن فرد به خاطر جرمی که مرتکب شده است.

حقوق غیر قابل انتقال – Inalienable Rights

حقوقی را توصیف می‌کند که حد اقل در حد تیوری و نظری به هیچ وجه قابل انتقال نباشند. حقوقی که دارندگان آن به صورت داوطلبانه یا غی داوطلبانه نمی‌توانند به کسی دیگر واگذار کنند یا انتقال دهند و هیچ کشور یا کسی دیگر نمی‌تواند این حقوق را از دارندگان آن‌ها سلب یا اخذ کند. این به این جهت است که حقوق بشر در انسان‌ها به طور ذاتی و فطری وجود دارد که این حقوق-گرفتنی یا پرداخت شدنی نیست.

حمله/ اعمال فشار یکسره

Indiscriminate Attack/ Force

بمباران، حمله با استفاده از نیرو بر علیه دشمنی، که در حال دفاع از تجاوز باشد که در این حمله یا بمباران تنها هدف‌های نظامی مورد حمله نیست بل اهداف نظامی و غیرنظامی به طور یکسان از حمله یا بمباران متأثر می‌شوند یا سیستم جنگی توری-است که نمی‌شود هدف‌های نظامی را از هدف‌های غیرنظامی تشخیص داد که این سیستم جنگی به افراد و اشیای نظامی و غیرنظامی به طور یکسان آسیب می‌رساند. طبق پیمان بین‌المللی بر خوردهای مسلحانه، حمله یکسان و عمومی ممنوع و غیرقانونی می‌باشد زیرا این نوع از حمله "اصل تشخیص" را نقض-می‌کند.

بخش اول □ ۴۱

بمباران منطقه یا مناطقی که نظامیان و غیرنظامیان در آنجا به طور مختلط زندگی می‌کنند، آتش زدن جنگلاتی که در آن افراد نظامی و ملکی موجود باشند، پرتاب گلوله و موشک به طرف اهداف نظامی اما نه به طور که از آسیب رساندن غیرنظامیان آگاهانه پرهیز شود تا غیرنظامیان آسیب نبینند، همه مثال‌ها و نمونه‌ها از حمله یکسان می‌باشد.

حقوق فردی (در مقابل حقوق گروهی) Individual Rights (Vs. Group Rights)

حقوق بشری که دارندگان افراد می‌باشند صرف نظر از عضویت یا وابسته‌گی این افراد به کدام گروه یا سازمان.

حقوق بین‌المللی – International Law

مجموعه قواعد تعهد آور برای دول و سایر اشخاص بین‌المللی در رابطه متقابل آنها و یا حقوق بین‌المللی.

عبارت است از معیارهای رفتار برای کشورها یا نهادهایی که موضوع هیات این-قانون باشد. روابط دو جانبه یا چند جانبه بین دولت‌ها، بین دولت‌ها و نهاد های بین‌المللی، روابط بین افراد و نهاد های غیر دولتی، حقوق افراد و نهاد های غیر-دولتی که برای جامعه جهانی اهمیت داشته باشد، همه در حقوق بین‌المللی گنجانید شده است. قانون بین‌المللی حقوق بشر که قانون بشر دوستانه بین‌المللی را نیز شامل است، بخشی از این هایت قانون می‌باشد.

حق تمامیت یا کمال یا حق کرامت

Integrity Rights

یکی از حقوق بشری ویژه که هدف آن حفاظت ذهنی، اخلاقی و انسجام جسمی انسان می‌باشد. معانی *Integrity* یعنی تمامیت، سلامتی، ایمنی که اینها همه از معانی این لفظ می‌باشد.

مثال های حق تمامیت عبارت اند از: حق زندگی، حق آزادی از شکنجه، حق-آزادی مذهب، حق تشکیل خانواده و حق زندگی خصوصی.

حق دفاع – JUS ADD BELLUM

این واژه لاتینی عبارت است از قانون بین‌المللی که به کشور و نمایندگانش به طور دسته جمعی یا جداگانه اجازه می‌دهد تا با متحدانش برخلاف کشور یا

□ ۴۲ اصطلاحات حقوق بشر

کشورهای دیگر طبق قانون بین‌المللی در بر خودهای مسلحانه سهم بگیرند و این-اصل بخشی از قانون بین‌المللی جنگ را تشکیل می‌دهد. مثلاً: طبق قانون بین‌المللی جنگ کشور می‌تواند تجاوز قرار می‌گیرد حق دفاع (*Jus add bellum*) را دارد.

حق دفاع زمینه را برای قانونی بودن جنگ فراهم می‌کند و به کشور و افراد اجازه می‌دهد تا وقتی حقوق بشر را نقض نکنند. بدون هراس از پیگرد قانونی در جنگ سهم بگیرند و آزادانه از کشور شان دفاع کنند.

حق قابل تغییر – JUS DISPOSITIVUM

قانون/قاعده/اصلی که با توافق قانونی مخالف یا رضایتی کشورها قابل اصلاح یا تبدیل باشد. یعنی صلاحیت این را دراد که به قانون متضاد دیگر تبدیل شود. این در مقایسه با اصول قانون نهایی استعمال می‌شود که قابل اصلاح و تبدیل نیست.

حق در جنگ – Jus in bello

مراد از این اصطلاح لاتینی اصول و قوانین بین‌المللی است که در جنگ/برخورد-های مسلحانه بین‌المللی قابل اجرا می‌باشند. این اصل با حفاظت قربانیان و روش‌های اتخاذ شده در این خصوصت‌ها سر و کار دارد به طور عمده از قرارداد-های چهارگانه ژنو سال ۱۹۴۹ و همچنین معاهده های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ شهر هاگ و ضمیمه این معاهده تشکیل یافته است. این اصل عرصه های چون اسلحه شیمیایی، گاز و غیره را در بر می‌گیرد و شبیه قانون بشر دوستانه است.

حقوق فطری – Jus Naturale

این لفظ لاتینی به معنای قانون طبیعی است. ضروریات اخلاقی که به هیچ نهاد انسانی وابسته نباشد و از دلیل درست و محکم بناء یافته باشد.

یک بدنه قانون که در چگونگی طبیعت و جود دارد ک جهان و انسان‌ها بطور لازم به آن عمل کنند. یک بدنه قانونی یا یک اصل مشخص که از طبیعت گرفته-شده است و بالای اجتماع انسانی در غیاب یا علاوه بر قانون مثبت الزامی می‌باشد.

حقوق کار – Labor Rights

یک نوع حقوق بشر که هدف آن حمایت از حق کار کردن و سر و سامان دادن دستجمعی برای منافع عمومی می‌باشد. این، شامل حق معاملات دستجمعی و اعتصاب کردن، مزد مساویانه برای کار مساویانه، فراغت و استراحت و محیط امن کاری می‌باشد. اکثر حقوق کارگری در پیمان قانون سازمان بین‌المللی کار وجود دارد ولی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز شامل این نوع حقوق می‌باشند.

حقوق قانونی – Legal Rights

حقوقی که توسط یک مقام با صلاحیت تضمین و برسمیت شناخته شده است تا اعلام و تضمین شود و در حضور یک محکمه که آنرا حکم می‌کند از آن دفاع گردد.

حق حضور در محکمه – Locus Standi

حق درج یک شکایت و حضور در جلسه/محکمه، کمیته یا کمیسیون که صلاحیت اخذ و حل و فصل قضایای تخطی‌های حقوقی بشر یا حق تقاضای یک نظریه را دارد. این یک وضعیت پذیرفتن یک شکایت تحریری است که طرف شاکی باید حق حضور را در جلسه/محکمه را داشته باشد که معمولاً بدین‌طور است که طرف شاکی خود متضرر تخطی شده باشد. اگر طرف شاکی حق حضور در محکمه را ندارد، در اینصورت قضیه غیرقابل قبول پنداشته خواهد شد. اصطلاح کامل برای حق حضور در جلسه/محکمه "*locus standi in iudicio*" می‌باشد.

حکومت نظامی – Martial Law

استفاده نیروهای نظامی برای حکمرانی موقتی بالای افراد ملکی منحصراً یکی از ضروریات عامه، این نوع حکومت اغلباً با به تعلیق آوردن آزادی‌های معین یا یک دوره ابطال که در آن حقوق معین بشری فسخ می‌گردد یا در طی همان مدت به تعلیق درآورده می‌شود، همراه می‌باشد. این اصطلاح اکثراً در زمینه فسخ حقوق-بشری شنیده می‌شود. در تحت حکومت نظامی، جامعه ملکی نه بل نظامی بالای دولت و مردم حکومت می‌کند. حکومت نظامی یک حالت استثنایی می‌باشد.

حکومت دموکراتیک – Democratic governance

عبارت است از نظریه مطرح شده که حکومت نظام منتخب و دموکراتیک بر مردم را از حقوق بشر مردم می‌داند. یعنی تقاضای حقوق بشر افراد این است که نظام حاکم باید دموکراتیک و منتخب باشد. بنیاد و اساس این نظریه بر این مطلب نهاده شده که خواست و اراده مردم، بهترین منبع برای قدرت و اختیارات حکومت است و اولین وظیفه حکومت، حمایت و حفاظت از حقوق بشر است. چیزهایی را که این نظریه در بردارد عبارت اند از: اصول مسوولیت دموکراتیک، احترام به حاکمیت قانون، شفافیت حکومت و اشتراک آزادی مردم در حکومت. این حقوق از طریق رای گیری، رقابت برای مقام‌های انتخابی، شرکت در مذاکرات عمومی و تجمع‌های معلوماتی (خصوصاً توسط کسانی که از رفتار حکومت زیاد متاثر شده اند) و درخواست رسیدگی به شکایات علیه حکومت، اعمال و اجرا می‌شود.

حقوق اقلیت‌ها – Minority Rights

یک اصطلاحی که عموماً حقوق بشر را برای حمایت از گروه‌های اقلیت نژادی، قومی، ملیتی، مذهبی و زبانی معین می‌کند. این اصطلاح شامل اشخاص دیگر در مقررده‌های مشخص سندهای حقوق بشر مثل ماده ۴۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و حتی سندهای خارج از پیمان مثل اعلامیه در باره اشخاص وابسته به یک اقلیت ملیتی یا قومی، مذهبی و زبانی (۱۹۹۲ ملل متحد) و نیز فعالیت‌های شورای حقوق بشر ملل متحد بخاطر جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها تا حدیکه با مسائل اقلیت سرو کار دارد.

حقوق معنوی – Moral Rights

ارزش‌هایی که توسط گروه‌ها یا افراد روی اصول بی‌طرفی در عرف، نژاد، عدالت یا معتقدات مذهبی صورت می‌گیرد. حقوق معنوی قانوناً تعهدی نمی‌باشند.

حرکت آزادی‌خواهی ملی**National Liberation Movement**

حرکت نظامی یا سیاسی که بیشتر در کشورهای در حال توسعه به منظور بیرون راندن قدرت‌های استعمارگر و نیزوهای اشغالگر بیگانه برای به دست آوردن استقلال و تشکیل ملت خود مختار، به وجود می‌آید.

حکومت؛ دولت متشکل از یک ملت – Nation State

مراد از این اصطلاح گروه مشخصی است که خود را به عنوان یک ملت، گروه مستقل و از لحاظ سیاسی دولت می‌داند ولی هنوز در محدوده دولتی که توسط اداره واحد رهبری می‌شود زندگی می‌کنند خواه این گروه از نظر قانونی به- رسمیت شناخته شده باشد یا خیر.

حقوق منفی – Negative Rights

حقوق بشر عدمی یعنی نداشتن چیزی یا حق نبودن در موقعیتی، حق نپذیرفتن چیزی در مقابل حقوق بشر مثبت که حق پذیرفتن، داشتن و غیره است. این حق به دارنده‌اش اجازه می‌دهد تا عملی را انجام ندهد یا چیزی را نپذیرد یا درموقعیتی قرار نگیرد. همان‌طور که درحقوق مثبت صاحب حق، حق انجام دادن چیزی یا انتخاب چیزی را دارا است. در حقوق منفی حکومت نمی‌تواند حق نداشتن یا حق- نبودن یا حق انتخاب نکردن را از مردم سلب کند. همان‌طور که در حقوق مثبت حق داشتن، انتخاب کردن و غیره را از مردم سلب نمی‌تواند. برای مثال حق اظهار نکردن رای، حق سهم نگرفتن در کدام اتحادیه، حق شکنجه نشدن همه حقوقی منفی است اما حق اظهار رای، حق عضویت در کدام اتحادیه، حقوق مثبت است. برای وضاحت بیشتر: یک تبعه حق دارد از طرف دولت مورد مراقبت و جاسوسی قرار نگیرد و حق دارد دولت مکالمه هایش را استراق سمع نکند.

حقوق تعلیق ناپذیر – Nonderogable Rights

حقوق فسخ ناشدنی به آن عده حقوقی گفته می‌شود که در حالت اضطراری از قبیل جنگ داخلی یا تهاجم بیرونی به حال تعلیق در نمی‌آیند و این نوع حقوق در پیمان حقوق بشر معین و مشخص شده است. یکی از نمون‌های حقوق فسخ ناشدنی حق آزادی از شکنجه است که در هیچ صورتی این حق به حال تعلیق در نمی‌آید. حقوق فسخ ناشدنی در همه حالت و در تمام شرایط تخفیف داده نمی‌شود و همیشه باید به آن احترام شود. برای معلومات بیشتر به ماده ۴۰۳ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی مراجعه شود که در آن حقوق فسخ ناشدنی این پیمان بیان شده است.

حقوق (بشر) مشارکتی – Participatory (Human) Rights

حقوق افراد برای سهم‌گیری در توسعه و انکشاف جامعه از طریق وارد شدن در مسایل عمومی برای تضمین و تحقق بخشیدن به حقوق بشر شان از قبیل حق غذا، حق تعلیم، حق ادای مناسک مذهبی و غیره. برای مثال طبق ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، هر تبعه حق دارد تا در مسایل عمومی سهم بگیرد. سهم‌گیری قابل توجه و آزادی افراد در جامعه، باعث انکشاف دموکراسی و انکشاف اقتصادی می‌شود. حق رای دهی و حق رفتن برای پُست‌های ملی از جمله حقوق مشارکتی به شمار می‌آیند.

حقوق مردم – People Rights

این اصطلاح در عنوان "منشور افریقا در باره حقوق بشر و مردم" به کار برده شده است و در معنای افریقایی آن، عبارت است از حقوق دسته‌جمعی که به گروه‌های قبیله‌ای افریقا مربوط می‌شود. هدف از حقوق مردم حفاظت از حقوق دسته‌جمعی انجمن‌ها یا گروه‌ها مخصوصاً قبیله‌ها، در افریقا است. این اصطلاح گاهی در بیرون AFR (منشور افریقا درباره حقوق بشر و مردم) نیز به کار برده می‌شود.